

حشم عزلی است او حرم بهمنی است

گزیده اشعار
 محمد علی بهمنی

ت

توسعه کتاب ایران

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: بهمنی، محمدعلی، ۱۳۲۱-

عنوان و نام پدیدآور: جسمم غزل است اما: روحم همه نیمایی ست / محمدعلی بهمنی.

مشخصات نشر: تهران موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، نشر تکا، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۳ ص.

شابک: 1-52-5505-964-978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴.

شناسه افزوده: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، نشر تکا.

رده‌بندی کنگره: ۵۱۳۸۶ ج ۷۵ / PIR ۷۹۸۰

رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۸۶۴۲۲



لوسعه کتاب ایران

جسمم غزل است اما: روحم همه نیمایی ست

گزیده اشعار محمد علی بهمنی

ناشر: نشر تکا (توسعه کتاب ایران)

چاپ چهارم: تهران ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طراحی متن و جلد: آتلیه نشر امینان

لیتوگرافی: جامع هنر، چاپ: چاپخانه دالاهو، صحافی: آزادی

شابک: ۱-۵۲-۵۵۰۵-۹۶۴-۹۷۸

بها: ۲۳۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.

سر سخن

شعر اگر نه آینه روزگار باشد خود شعر نیست، که روزگار را هیچ زبانی به شفافیت شعر ترجمان نبوده است. در همه ادوار تاریخ این شعر بوده است که تاریخ صحیح و صریح هر چه را یادداشت کرده است و شعر بی دروغ و نقاب در همه زمان ها آینه تمام نمای حوادث آن روزگاران است. گزینش دقیق و عمیق شعر دهه هایی که گذشت کاری ست بس دشوار. دهه هایی که همه سرشار بود از اتفاق هایی که افتاد و برخاست. شعری که هم شاعر را در اندازم های حساسیت های آگاهانه شاعرانه معرفی کند و هم آینه حوادث روزگارش باشد و این مجموعه ها همه آن چیزی ست که توانسته ایم و نه آن چه که خواسته ایم، که خواسته شعر ناب - شعری که در زیر مجموعه وحی قرار دارد - خود بیشتر از این هاست.

نام و نشان سروده‌ها

در آینه تلفیق

- ۱۵/ غزل ۱ / ای واژه بکر جاودانه
۱۷/ غزل ۲ / من از چه چیزت ای زندگی کنم پرهیز
۱۸/ غزل ۳ / از زندگی از این همه تکرار خستام
۹۷/ غزل ۴ / اینک آن طفل گریزان دبستان غزل
۲۱/ غزل ۵ / جسمم غزل است اما روحم همه نیمایی ست
۲۳/ غزل ۶ / ناگهان دیدم که دور افتادم از همراهم
۲۵/ غزل ۷ / در این زمانه بی‌های و هوی لال پرست
۲۶/ غزل ۸ / خوابی و چشم حادثه بیدار می‌شود
۲۷/ غزل ۹ / بعد از عبور فاصله‌ها را شناختم
۲۸/ غزل ۱۰ / معجزه شد گرچه مرا معجزه باور نشود
۲۹/ غزل ۱۱ / بس که سنگین است بار گریه‌ها بر دوش چشم
۳۱/ غزل ۱۲ / نتوان گفتم که این قافله وامی‌ماند
۳۲/ غزل ۱۳ / قطره قطره اگرچه آب شدیم
۳۴/ غزل ۱۴ / زخم آن چنان بزن که به رستم شهادت زد
۳۵/ غزل ۱۵ / حرفی که بهار با خزان گفت
۳۷/ غزل ۱۶ / این شرمساری گل یا شرمساری من
۳۹/ غزل ۱۷ / رویی داشتم آن گونه که افرا دارد

محمد علی احمدی

- ۴۱/غزل ۱۸/ می پرسد از من کیستی؟ می گویمش، اما نمی داند
 ۴۲/غزل ۱۹/ من زنده بودم اما انگار مرده بودم
 ۴۳/غزل ۲۰/ با هر بهانه در غزل هایم تو را تکرار خواهم کرد
 ۴۴/غزل ۲۱/ غمی که در سخت داری همان غمی ست که من دارم
 ۴۵/غزل ۲۲/ او مرد کوه بود که خود کوهوار بود
 ۴۶/غزل ۲۳/ در گوشه ای از آسمان ابری شبیه سایه من بود
 ۴۸/غزل ۲۴/ تکیه بر جنگل پشت سر روبه روی دریا هستم
 ۵۰/غزل ۲۵/ جنگل همه شب سوخت از صاعقه پاییز
 ۵۱/غزل ۲۶/ آنجا که زبان سرخ است، سر سبز نمی داند
 ۵۳/غزل ۲۷/ تا گل غربت نرویانند بهار از خاک جانم
 ۵۵/غزل ۲۸/ کجا را زدند؟
 ۵۷/غزل ۲۹/ دوست من دیدنش آسان نبود
 ۵۹/غزل ۳۰/ هزار چهره و هر چهره نیز پشت نقابی
 ۶۰/غزل ۳۱/ گر همسفر عشق شدی مرد سفر باش
 ۶۱/غزل ۳۲/ تا تو هستی و غزل هست دلم تنها نیست
 ۶۳/غزل ۳۳/ تنهایی ام را با تو قسمت می کنم سهم کمی نیست
 ۶۵/غزل ۳۴/ اگر چه نزد شما تشنه سخن بودم
 ۶۶/غزل ۳۵/ دلتنگی ام را از غزل این یار دیرینم بپرسید
 ۶۷/غزل ۳۶/ وحشت نکنید آدمی زاده است
 ۶۹/غزل ۳۷/ از خانه بیرون می زنم اما کجا امشب
 ۷۱/غزل ۳۸/ امشب غزل مرا به هوایی دگر ببر
 ۷۲/غزل ۳۹/ من با غزلی قانعم و با غزلی شاد
 ۷۴/غزل ۴۰/ نمی دانم چرا؟ اما تو را هر جا که می بینم
 ۷۵/غزل ۴۱/ بخ کرده ام، اما نه از سوز زمستان

- ۷۶/غزل ۴۲/ جواب سؤالم تو باشی اگر
- ۷۷/غزل ۴۳/ به رنگ قالی پاخورده نخ نما شده ام
- ۷۸/غزل ۴۴/ لبست نه گوید و پیداست می گوید دلت آری
- ۸۰/غزل ۴۵/ تو را گم می کنم هر روز و پیدا می کنم هر شب
- ۸۲/غزل ۴۶/ رفته بودم که در آن منظره چشمی بچرانم
- ۸۳/غزل ۴۷/ دوباره عشق دوباره جوانه در پاییز
- ۸۵/غزل ۴۸/ مرور می کنم او را و مات می مانم
- ۸۷/غزل ۴۹/ در عشق گذاری ست که در هیچ گذر نیست
- ۸۸/غزل ۵۰/ شاعر! مبارکت باد ناگاه روشنایی
- ۹۰/غزل ۵۱/ با پای دل قدم زدن آن هم کنار تو
- ۹۲/غزل ۵۲/ باور نمی کنیدی ولی من دستم به خون خویشتن آلوده است
- ۹۴/غزل ۵۳/ در دیگران می جویی ام اما بدان ای دوست
- ۹۶/غزل ۵۴/ شبیخون خورده را می مانم و می دانم این را هم
- ۹۸/غزل ۵۵/ چیزی گم است در من از آرزو فراتر
- ۱۰۰/غزل ۵۶/ من با کسی رازی ندارم مرد و مردانه
- ۱۰۲/غزل ۵۷/ گرچه به یک اشاره این کوتوال پیر
- ۱۰۳/غزل ۵۸/ دیرسالی ست که در من جاری ست
- ۱۰۵/غزل ۵۹/ زمانه وار اگر می پسندی ام کز و لال
- ۱۰۷/غزل ۶۰/ گفتم بدوم تا تو همه فاصله ها را
- ۱۰۸/غزل ۶۱/ این شفق است یا فلق؟ مغرب و مشرقم بگو
- ۱۱۰/غزل ۶۲/ نشسته اند ملخ های شک به برگ یقینم
- ۱۱۱/غزل ۶۳/ غزل هایی ست با من مثل نوزادان بی مادر
- ۱۱۲/غزل ۶۴/ من گلی ناچیدنی دیدم چنان خورشید او را
- ۱۱۳/غزل ۶۵/ تو از اول سلامت پاسخ بدی خود داشت

مجموعه غزل های استاد ۱

- ۱۱۴/ غزل ۶۶/ خود را به من نشان بده آینه وار من
 ۱۱۶/ غزل ۶۷/ با این عطش تا چشمه دیگر دیر خواهد شد
 ۱۱۸/ غزل ۶۸/ سنگین تر است از نفس من هوای کوه
 ۱۱۹/ غزل ۶۹/ با غروب این دل گرفته مرا
 ۱۲۱/ غزل ۷۰/ با همه بی سر و سامانی ام
 ۱۲۲/ غزل ۷۱/ رنگ سال گذشته را دارد همه لحظه های امسال
 ۱۲۵/ غزل ۷۲/ این جا برای از تو نوشتن هوا کم است
 ۱۲۶/ غزل ۷۳/ دریا صدا که می زندم وقت کار نیست
 ۱۲۷/ غزل ۷۴/ پیش از آنی که به یک شعله بسوزانم شان
 ۱۲۹/ غزل ۷۵/ زنده تر از تو کسی نیست چرا گریه کنیم
 ۱۳۱/ غزل ۷۶/ ابرهای خبر این بار چه بارانی بود
 ۱۳۳/ غزل ۷۷/ شبانه های مرا می شود سحر باشی
 ۱۳۵/ غزل ۷۸/ دستی از پینه و پایی همه تاول با لوست
 ۱۳۶/ غزل ۷۹/ خورشیدم و شهاب قبولم نمی کند
 ۱۳۸/ غزل ۸۰/ خانگی گشته ام ای خیل خیابانی من
 ۱۴۰/ غزل ۸۱/ من و هنوز همان خاستگاه افرازی
 ۱۴۲/ غزل ۸۲/ چه می کاوی ای دوست در چند و چونم
 ۱۴۳/ غزل ۸۳/ هم از تو هیچ در این رهگذر نمی خواهم
 ۱۴۴/ غزل ۸۴/ هم نسبت گل اما حتی نه گل قالی
 ۱۴۵/ غزل ۸۵/ امسال نیز یکسره سهم شما بهار
 ۱۴۶/ غزل ۸۶/ من و دریا غزلی ناب سرودیم از تو
 ۱۴۷/ غزل ۸۷/ تو آسمانی و من ریشه در زمین دارم
 ۱۴۸/ غزل ۸۸/ با تو از خویش نخواندم که مجابت نکند
 ۱۴۹/ غزل ۸۹/ دریغ می کنی از من نگاه را حتی

- ۱۵۰/غزل ۹۰/نشد سلام دهم عشق را جواب بگیرم
 ۱۵۳/غزل ۹۱/همیشه منظر دریا و کوه روح افزاست
 ۱۵۵/غزل ۹۲/هوای عشق رسیده است تا حوالی من
 ۱۵۷/غزل ۹۳/مژده که عشق آمده تا خانه تکانی بکند
 ۱۵۸/غزل ۹۴/تنهایی تو و غزل من دو چیز نیست
 ۱۵۹/غزل ۹۵/با قلّه تو پنجه درافکنده پلنگم
 ۱۶۱/غزل ۹۶/خوش به حال من و دریا و غروب و خورشید
 ۱۶۳/غزل ۹۷/گاهی چنان بدم که مبادا ببینیم
 ۱۶۵/غزل ۹۸/تو مهربان تر از آن بودی که من همیشه گمانم بود
 ۱۶۶/غزل ۹۹/پرندۀ نیستم اما پَر خیالم هست
 ۱۶۸/غزل ۱۰۰/آسمان ها گله دارند ز ما سیر شدید
 ۱۷۰/غزل ۱۰۱/بگذارید اگر هم نه بهاری باشم
 ۱۷۲/غزل ۱۰۲/همیشه شایعه و انعکاس های همیشه
 ۱۷۳/غزل ۱۰۳/در قایم کنار تو و چشم ها حسود
 ۱۷۵/غزل ۱۰۴/دوباره خواب مرا بُرد رنگی رنگی
 ۱۷۶/غزل ۱۰۵/بی شکل تر از باد شدم تا نهراسی
 ۱۷۷/غزل ۱۰۶/یک اشتباه و یک دهه در خود فروشدن
 ۱۷۸/غزل ۱۰۷/اگر چه سیلی آینه ها کَرَم کرده است
 ۱۸۰/غزل ۱۰۸/پَر می کشم از پنجره خواب تو تا تو
 ۱۸۲/غزل ۱۰۹/یک آن از آن دقایق نابم غزل نشد
 ۱۸۴/غزل ۱۱۰/دریا شده است خواهر و من هم برادرش
 ۱۸۶/غزل ۱۱۱/آمد به خوابم دوباره مردی که خاکستری بود
 ۱۸۸/غزل ۱۱۲/تا لحظه عزیز تو و من یکی شدن
 ۱۹۰/غزل ۱۱۳/گرفته است صدایت ولی رساست هنوز

- ۱۹۲/غزل ۱۱۴/سرودمت نه بهزیبایی خودت - شاید
 ۱۹۳/غزل ۱۱۵/تو جان من شده بودی و من جوان شده بودم
 ۱۹۴/غزل ۱۱۶/می نوشمت که تشنگی ام بیش تر شود
 ۱۹۶/غزل ۱۱۷/بمان و خواب مرا بیش تر معطر کن
 ۱۹۸/غزل ۱۱۸/دلواپسی ام، نیست چه باشی چه نباشی
 ۱۹۹/غزل ۱۱۹/همبازی من است هنوز آن عروسکت
 ۲۰۱/غزل ۱۲۰/چگونه هم نباشم با شما یاران و هم باشم
 ۲۰۳/غزل ۱۲۱/بوی کافور گرفتم نفحاتی بفرست
 ۲۰۵/غزل ۱۲۲/تا گلو گریه کند بغض فراهم شده است
 ۲۰۷/غزل ۱۲۳/شرمنده ام که همت آهو نداشتم
 ۲۰۹/غزل ۱۲۴/بی سایه مرا آن نور یا خویش کجا می برد
 ۲۱۱/غزل ۱۲۵/من ماندم و تو ها... غزل نیمه تمامم

مثنوی ها

- ۲۱۵/مثنوی ۱/سایه ای بود و پناهی بود و نیست
 ۲۱۷/مثنوی ۲/آمد و خوش آمد و خوش تر نشست
 ۲۲۰/مثنوی ۳/باز می خواهم تو را پیدا کنم
 ۲۲۲/مثنوی ۴/هنوز از عمر باقی مانده دارم
 ۲۲۴/مثنوی ۵/به عمر مثنوی ات با تو زیستم شاعر!
 ۲۲۷/مثنوی ۶/زلزله یا لرزه سرکنگی است
 ۲۲۹/مثنوی ۷/دو مرغ عشق به من خیره مانده اند چرا

در اشیاء

ص ۵۰۰

کتابخانه شخصی حضرت آیت الله العظمی خراسانی